

ادبیات تعزیه در چهار محال و بختیاری

♦ دکتر حمید رضائی استادیار دانشگاه پیام نور شهر کرد

تاریخ پذیرش مقاله : ۸۷/۸/۱۶

تاریخ دریافت مقاله : ۸۷/۷/۹

چکیده :

تعزیه نوعی نمایش مذهبی است که با رسمیت یافتن تشیع در ایران شکل منسجم و منظمی به خود گرفت و در دوره قاجار با توجه نشان دادن شاهان قاجار نه تنها در پایتخت که در تمامی مناطق ایران از رونق و شکوه خاصی برخوردار شد. در سرزمین چهار محال و بختیاری نیز، هم به دلیل علاقه عامه مردم و هم حمایت برخی از خوانین اهمیت و اعتبار یافت. این توجهات موجب بوجود آمدن مکتبهای مختلف تعزیه در این منطقه گردید که غالب سرایندگان اشعار مجالس تعزیه نیز از شعرای بومی بودند در این مقاله کوشش شده ضمن بررسی این نوع ادبی در چهارمحال و بختیاری به برخی خصوصیات و ویژگی‌های سبکی آن نیز اشاره شود.

کلمات کلیدی:

تعزیه ، چهار محال و بختیاری ، دوره قاجار ، مجالس تعزیه ، شعر

◀ مقدمه :

اهمیت و جایگاه ادبی تعزیه در میان طبقات مختلف مردم و نیز شعرای دوره قاجار در چهار محال و بختیاری به چه صورت بوده است؟

این مقاله بر اساس گردآوری اطلاعات شفاهی از مطلعین محلی و نیز بررسی منابع و مآخذ مکتوب بویژه تذکره های محلی فراهم آمده است و سپس به مقایسه برخی از نتایج با منابع و متون تعزیه دیگر مناطق ایران پرداخته شده است.

با توجه به اینکه بیشترین اسناد و مدارک موجود در این زمینه به صورت شفاهی باقی مانده است اگر در ثبت و نگاهداشت آنها غفلت شود قسمت مهمی از منابع ادبیات بومی ما از میان خواهد رفت بنابراین حفظ و ضبط اینگونه اطلاعات باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

پیش از این در زمینه ادبیات مذهبی و بویژه مجالس تعزیه و سرایندگان و گردانندگان اینگونه مجالس هیچ گونه تحقیق و پژوهشی انجام نگرفته است.

ادبیات تعزیه در چهار محال و بختیاری

تعزیه در لغت به معنی سوگواری و بر پا داشتن مراسم عزاداری به یادبود درگذشتگان است، لیکن در اصطلاح به نوعی نمایش مذهبی بر اساس واقعه کربلا و شهادت امامان (ع) و وقایع دیگر مذهبی و قصه ها و داستانهای تاریخی و اساطیری و عامیانه اطلاق می شود که با آداب و رسوم و سنتهای خاص اجرا می شود. غم انگیز بودن، شرط حتمی تعزیه نیست و ممکن است گاهی خنده آور و شادی بخش نیز باشد.^۱

۱- نمایش کهن ایرانی و نقالی، ص ۱

مشهورترین نظریه‌ها درباره پیدایش تعزیه این است که تعزیه شکل تکامل یافته مراسم دینی و آیینهای سوگواری مذهبیست که از قرنهای اول و دوم بخصوص از قرن چهارم هجری (دوره آل بویه) در ایران رایج بوده است همچنین احتمال داده میشود که زمینه نمایشی این مراسم از برخی آداب و شعائر ایران قبل از اسلام مانند «سوغ سیاوش» و «کین ایرج» مایه گرفته باشد و ظاهراً این مراسم با رسمیت یافتن تشیع در دوره صفویان شکل منظمی پیدا کرد و به تدریج با پدیده‌ها و عناصر فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و هنری دیگری چون روضه خوانی، واقعه گویی، نقالی و شبیه گردانی در آمیخت و سرانجام در اواخر دوره صفویه به صورت کنونی درآمد.^۱

در دوره قاجار با علاقه نشان دادن پادشاهان قاجار نسبت به آداب و رسوم و سنتهای مذهبی و حمایت از تعزیه خوانان و بر پا نمودن تکایا، تعزیه از رونق و شکوه بسیاری برخوردار شد.^۲ در این دوره علاوه بر گسترش و عمومیت یافتن تعزیه در میان عامه مردم و طبقه اشراف، مجالس تعزیه نیز از لحاظ کمی و کیفی تحول یافت. از جهت کمی شمار مجالس تعزیه افزایش پیدا کرد و علاوه بر وقایع کربلا و مصائب مربوط به خاندان پیامبر (ص) از داستانها و وقایع دیگر مذهبی و تاریخی نیز تعزیه‌هایی ساخته شد. از جهت کیفی نیز بخصوص از زمان ناصرالدین شاه در مجالس تعزیه تغییراتی روی داد که تا دوره مشروطه هم ادامه یافت از جمله؛ مکالمه‌ها (مخاطبات) در مجالس تعزیه کوتاه و حرکت عمل بیشتر شد و اشقیا و مخالف خوانان که در تعزیه‌های قدیم نقش و تأثیر اندکی داشتند در این دوره بخصوص در تعزیه‌های شهادت و حماسی مقام و موقع نمایشی بیشتر و بهتری یافتند.^۳

برگزاری مجالس تعزیه مختص پایتخت نبود بلکه در سراسر ایران حتی در روستاهای دور افتاده نیز این مجالس با شور و اشتیاق خاصی برگزار میشد. این نمایش مذهبی در مناطق مختلف چهار

۱- پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی (از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران)، ص ۶۳

۲- رونق مجالس تعزیه تا حدی بود که زنان نیز به برگزاری مجالس خاص خود اقدام نمودند و کم کم گروههای زنان تعزیه خوان نیز بوجود آمد (نک: تعزیه در ایران، ص ۱۴۵)

۳- پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی (از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران)، صص ۱۰۵ و ۱۰۶ در پی تحول تعزیه و افزایش جنبه‌های نمایشی آن و ساختن تعزیه‌های مضحک و افراط در تجمل و تزیین صحنه‌های مجالس تعزیه و آوردن مقلدان و دلکها به تکیه‌ها از ارزش و اهمیت تعزیه به عنوان یک نمایش و آیین مذهبی تا حد زیادی کاسته شد. (تعزیه در ایران، ص ۹۱ و پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی، ص ۱۰۸)

محال و بختیاری نیز مانند دیگر نواحی ایران از اقبال و توجه عام و خاص برخوردار بود. تعدد نسخ قدیمی باقی مانده از مجالس مختلف تعزیه در روستاهای چهار محال و بختیاری خود دلیلی است بر رواج تعزیه خوانی در این مناطق. نمونه‌های بکر و جالبی از بسیاری از تعزیه نامه‌ها را به صورت پراکنده در روستاهایی مانند دزک، دستنا، بلداجی، سامان، فرادنبه، دستنا، دستگرد امامزاده و گهرو می‌توان ملاحظه نمود. و در همین مناطق است که مکتب‌های مختلف تعزیه به وجود می‌آید.^۱

جز این بعضی از تعزیه‌خوانهای چهار محال در دوره قاجار از شهرت بسیاری برخوردار بوده‌اند که این نشان رواج تعزیه خوانی در این سرزمین است از آن جمله می‌توان به سید عبدالباقی بختیاری و ملا محمد تقی دزکی اشاره نمود. سید عبدالباقی بختیاری معین البکای اصفهان، بختیاری و شیراز بوده که گروه مفصلی داشته و تعزیه‌های این مناطق را اداره می‌کرده‌است.^۲ ملا محمد تقی دزکی از مخالف خوانهای مشهور دوره ناصرالدین شاه بوده و در مجالس تعزیه ای که در اصفهان به دستور ظل‌السلطان برگزار می‌شد شرکت داشته است.^۳

روستای دزک به عنوان یکی از مناطقی که از گذشته تا حال همواره محل برگزاری مجالس تعزیه بوده است در منطقه چهار محال و بختیاری از شهرت بسزایی برخوردار است اهمیت خاص دزک در آن است که تعزیه سرایان و نوآوران در ادبیات تعزیه به نسبت سایر مناطق رقم قابل توجهی را تشکیل می‌دهد. تعزیه در بسیاری از شهرها و روستاها از روی نسخه‌های متداول اجرا می‌شده و تفاوت عمده تعزیه داری و تعزیه خوانی در دزک این بوده است که سرایندگان مجالس به شرحی که خواهد آمد اهل دزک و لاجرم فضا‌سازیه‌ها که از مقتضیات مهم ادبیات تعزیه است مطابق با فرهنگ بومی محل و ملموستر از سایر تعزیه‌ها در ذهن مخاطب میبایشد. به گفته مطلعان محلی در این روستا بیش از هفتاد مجلس تعزیه وجود داشته که جز در ماههای محرم و صفر در سراسر سال نیز به مناسبت‌های گوناگون اجرا میشده است. وجود تعزیه گردانان ماهر و تعزیه خوانان صاحب سبک موجب رونق و رواج تعزیه در این روستا بوده است. اینان که اغلب مردمانی مکتب‌دار و

۱ - نگارنده نمونه‌های مختلفی از مجالس تعزیه را در دزک ملاحظه نموده است. آقای غلامرضا گلی زواره نیز در روستای دستنا از توابع ناحیه کبار چهار محال مجموعه‌ای ارزشمند از این تعزیه نامه‌ها را ملاحظه کرده است. (نک: کندوکاوی در تعزیه و تعزیه خوانی، ص ۸۱)

۲ - نک: سرگذشت موسیقی ایران، بخش اول، ص ۲۴۸

۳ - مهارت وی در اجرای نقش‌های مخالف تا حدی بوده که نقل است در یکی از مجالس تعزیه ظل‌السلطان ردای خویش را به عنوان صله بر دوش او افکند (از تقریرات آقای دکتر مظفر بختیار)

رعیت بوده‌اند و تنها سوادی در حد نوشتن و خواندن داشته‌اند، خود موجب پرورش نسلی تعزیه‌خوان در دوره بعد می‌شوند.^۱ از میان تعزیه‌خوانان دزک در دوره قاجار می‌توان به کسانی چون میرزا احمد ملال دزکی، ملا محمد تقی دزکی، محمد بیگ دزکی، ملا جعفر دزکی، ملا هیبت الله بابایی و سید آقا رضا دزکی اشاره نمود. این عده که در کار خویش استاد بودند نسلی را تربیت کردند که بعدها مراسم تعزیه را در سراسر چهار محال رواج دادند از آن جمله‌اند؛ ملا محمد افغانی، ملا حسن بیگ رضائی، علی آقا صادقی، نجاتعلی مختاری، حاج امیر آقا، مراد علی جعفری، ملا اسماعیل و امام قلی یوسفی. در این میان ملاحسن بیگ رضائی بحق یکی از استادان و بزرگان این هنرست. وی علاوه بر اینکه تعزیه‌گردان و بانی مجالس تعزیه بود اشعاری متناسب با شرایط و ذوق و سلیقه اهل محل می‌سرود و به نسخه‌های تعزیه می‌افزود. خدمات او چه در حفظ و نگاهداشت مجالس دستنویس تعزیه و نسخ قدیمی و چه در تربیت نسلی نو شایان توجه و ارزشمندست. وی مجموعه نفیسی از نسخ دستنویس مجالس تعزیه را در کتابخانه شخصی خویش گرد آورده بود که متأسفانه پس از وفاتش پراکنده شد.

بنا بر اسناد و مدارک بازمانده، حمایت و تشویق برخی از خوانین دزک نیز در رونق تعزیه خوانی در این روستا بی تأثیر نبوده، چنانکه به گفته اشخاص مطلع از دوره قاجار تا حدود سال ۱۳۳۲ هـ. ق. مراسم تعزیه مقابل قلعه امیر مفخم، ایلخانی بختیاری اجرا می‌شده است.^۲ جز این، وجود نسخ مختلف خطی و چاپ سنگی از کتابهایی چون *روضه الشهداء* ملاحسین واعظ سبزواری، *طوفان البکاء* جوهری، *جلاء العیون* علامه مجلسی و *مختار نامه ابو عبیده* لوط نکی در روستای دزک، که همگی از منابع مورد استفاده تعزیه سرایان می‌باشند، خود دلیل دیگری است بر توجه مردم این ناحیه به این نمایش مذهبی.^۳

۱- اغلب این تعزیه‌خوانان نسخه‌ها و گاه مجالس تعزیه را حفظ بوده‌اند و به واسطه برخورداری از صدای خوش و داشتن مهارت کافی در اجرای نقشها تأثیری شگرف در دل و جان مخاطبان می‌گذاشته‌اند تا حدی که برخی از این مخاطبان بی آنکه از علم و سواد بهره‌چندانی داشته باشند اغلب مجالس تعزیه را از بر می‌شدند نمونه این اشخاص فردی به نام میرزاخان الله‌گانی از اهالی دزک است که بیشتر مجالس تعزیه دزک را از بر بود و هنگام اجرای هر مجلس آن را زمزمه میکرد.

۲- بنابر اسناد قلعه دزک خوانین علاوه بر حمایت‌های مادی و معنوی از تعزیه‌خوانان برخی وسایل مورد نیاز تعزیه‌خوانی را نیز در اختیار آنان قرار می‌دادند.

۳- نگارنده هم اکنون برخی از این نسخ خطی و کتابهای چاپ سنگی را در اختیار دارد که به عنوان نمونه به ذکر دو مورد از آنها می‌پردازد ۱- نسخه خطی مختار نامه ابو عبیده لوط نکی الازدی که به خط نستعلیق تحریر شده و متأسفانه فاقد تاریخ کتابت است اما به واسطه رقمهایی که بعدها توسط صاحبان نسخه در حاشیه صفحات نوشته شده است

درباره مجالس تعزیه باید گفت متن هر مجلس تعزیه صرف نظر از موضوع و داستان آن بر حسب اینکه نسخه‌های آن در کدام یک از شهرها و روستاهای حوزه‌های جغرافیایی - فرهنگی ایران ساخته و پرداخته شده باشد از لحاظ صورت و معنا با مجالس دیگر مناطق کم و بیش متفاوت است و بر تابنده ویژگیهای زبانی - گویشی مردم و خصوصیات اجتماعی آن منطقه است.^۱ البته استفاده از منابع مشترک توسط شعرای تعزیه سرا در برخی موارد موجب همانندی مجالس تعزیه در مناطق مختلف شده است. عموماً منابع الهام سریندگان تعزیه‌ها همان انبوه کتبی است که در زمینه مقاتل نوشته شده، کتابهایی مانند *روضه الشهداء* ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری و *طوفان البكاء* محمد ابراهیم مروزی متخلص به جوهری بیشتر مورد توجه این سراینندگان قرار گرفته است.^۲ مجالس تعزیه چهار محال و بختیاری غالباً مجالسی ترکیبی - تلفیقی است برخی از اشعار این مجالس سروده شعرای بومی و برخی برگرفته از مجالس مناطق دیگر خصوصاً مجالس تهران است. متأسفانه کوتاهی تذکره نویسان در ذکر نام و نشان شعرای تعزیه سرا و تعزیه‌گردان موجب شده است تا ما از نام و نشان سراینندگان تعزیه‌ها بی اطلاع باشیم از میان شاعران تعزیه پرداز چهار محال و بختیاری که برخی مجالس تعزیه که اکنون در این منطقه موجود است سروده آنهاست می‌توان به کسانی مانند میرزا ملال دزکی، ابوالفتح آثم چالستری، نیسان سامانی و میر صفی الله وانانی اشاره نمود.^۳

نکته قابل توجه درباره این تعزیه سرایان اینکه اینان خود تعزیه خوان و تعزیه‌گردان نیز بوده‌اند. در میان مجالس تعزیه چهار محال و بختیاری، مجالس دزک مفصلترین و کاملترین مجالس تعزیه به حساب می‌آیند.^۴ به همین علت ما اشعار این مجالس را جهت تحقیق و بررسی انتخاب نمودیم

می‌توان تشخیص داد که تاریخ تحریر آن مربوط به پیش از ۱۲۱۵ هـ. ق است (نک: فهرستواره کتابهای فارسی، ج ۳، ص ۱۷۶۳). ۲- نسخه خطی *جلاء العیون* علامه مجلسی که به خط نسخ تحریری نوشته شده است و تاریخ کتابت آن سال ۱۰۹۲ هـ. ق است (برای اطلاع بیشتر درباره این کتاب نک: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵/۳، ص ۱۵۸۰)

۱- پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی، ص ۳۷

۲- تعزیه در ایران، صص ۲۶۸ و ۳۳۱

۳- نک: تاریخچه و شرح حال...، صص ۱۷ و

۳- نگارنده بامقایسه‌ای که بین مجالس تعزیه دزک با مجالس مناطق شیراز، بوشهر، خور و در بندسر انجام داد به این نتیجه رسید که مجالس دزک غالباً مفصلتر و کاملتر از مجالس دیگر مناطق است. تفصیل این مجالس نه تنها در عدد ابیات بلکه در تعداد نسخه‌های یک مجلس نیز مشاهده می‌شود. البته لازم به ذکر است برخی ابیات در مجالس تعزیه همه مناطق کاملاً شبیه به هم است که بیانگر اقتباس یکی از دیگری و یا اقتباس از مجالس قدیمی‌تر است.

و تمامی اشعاری که در این قسمت نقل می شود برگرفته از همین مجالس است.^۱ در اینجا ابتدا توضیح کلی درباره زبان تعزیه که شعرست بیان میکنیم سپس به ذکر مشخصات اشعار تعزیه می پردازیم.

زبان تعزیه شعرست و بیشتر اشعار تعزیه در قالبهای عروض رسمی هستند، در مواردی نیز شاعران تعزیه از اوزان غیر رسمی (اشعار هجایی و...) و کلام موزون مانند بحر طویل‌های عامیانه استفاده کرده اند. زبان تعزیه زبانی زنده، رسا و نزدیک به زبان رایج میان عامه مردم است.^۲ از همین رو اغلب محققان اشعار تعزیه را از نوع شعر سست و عوامانه و فاقد هر گونه ارزش ادبی دانسته و تنها آنها را از جنبه نمایشی با ارزش شمرده اند.^۳ در این باره باید گفت اولاً سادگی و عامیانه بودن شعر نسبی است و بستگی به این دارد که اشعار تعزیه با آثار کدام یک از شاعران مقایسه شود. دیگر اینکه برخی همین سادگی و بی تکلفی اشعار تعزیه را مهمترین مزیت آنها و نشان شعر خوب دانسته اند.^۴ و سدیگر اینکه اگر اشعار تعزیه را به دقت بررسی کنیم در می یابیم که همه آنها ساده و عامیانه نیستند و در میان آنها ابیات سخته، شیوا و فصیح و گاه متکلف و مصنوع نیز فراوان یافت

۱- منبع اصلی نگارنده در نقل اشعار مجالس دزک جنگ خطیبی است که مابین سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۹ هـ.ش از روی نسخ پراکنده قدیمی باز نویسی شده است و اکنون متعلق به آقای بابک آزمون است. کاتب این جنگ مراد علی جعفری یکی از تعزیه گردانان و تعزیه خوانان دزک بوده است. این جنگ سیزده مجلس تعزیه را در بردارد که عبارتند از: یک: مجلس شهادت حضرت حمزه (ع) ، دو: مجلس شهادت امام رضا (ع) ، سه: مجلس هرمز تجار ، چهار: مجلس سجده آدم (ع) یا شهادتین ، پنج: مجلس شهادت مسلم بن عقیل (ع) ، شش: مجلس شهادت امام حسن (ع) ، هفت: مجلس شهادت امام موسی بن جعفر (ع) ، هشت: مجلس شهادت قمر بنی هاشم حضرت عباس (ع) ، نه : مجلس شهادت دو طفلان مسلم ، ده :مجلس شهادت حر، یازده : مجلس شهادت هفتاد و دو تن روز عاشورا ،دوازده: مجلس شهادت حضرت علی اکبر (ع) یا دختر نصرانی ، سیزده: مجلس غلام ترک، که در مجموع عدد ابیات این مجالس در حدود ۹۳۵۰۹ بیت است. البته در برخی موارد به نسخ پراکنده مجالس تعزیه ای که هم اکنون در دزک اجرا می شود نیز مراجعه شده است.

۲- پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی ، ص ۳۸ .

۳- نک : سیر تحول مضامین در شبیه خوانی ، ص ۶۱ و نمایش در ایران ، ص ۱۳۷ و تعزیه در ایران ، ص ۲۳۷ و نیز جنگ شهادت ، ص ۱۵ .

۴ - شعر بی دورغ شعر بی نقاب ، ص ۱۷۸

می‌شود.^۱

اما در مجموع سادگی برخی اشعار تعزیه را می‌توان ناشی از علل ذیل دانست اولاً هدف اصلی شاعر تعزیه بیان خصوصیات و حالات و حرکات نمایشی شخصیت تعزیه یا توصیف و تصویر وقایع و صحنه‌هاست و زیبایی و شیوایی کلام چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. ثانیاً بیشتر مخاطبان تعزیه را مردم عادی و بی‌سواد تشکیل می‌دهند از همین رو اشعار تعزیه می‌بایست آن چنان ساده باشد که همه تماشاگران آن را بفهمند.

ویژگیهای اشعار تعزیه

۱- سادگی و روانی: پیشتر در این باره مطالبی به تفصیل بیان شد اینک نمونه‌های از اشعار ساده و بی‌تکلف:

(مکالمه مختار با هانی از مجلس شهادت مسلم):

مخور غم ای برادر ای عزیزم که خون جمله اعدا را بریزم

۱- اغلب گفتگوهای شمر و ابن سعد در مجالس تعزیه از نوع اشعار جالب و خواندنی است و در برخی از آنها صنایع شعری اعم از لفظی و معنوی به کار رفته است تا حدی که گاه موجب دشواری و تکلف آنها شده است. البته این دشواری با توجه به مخاطب تعزیه که بیشتر طبقات عوامند مورد نظر است. اینک نمونه‌ای از این اشعار:

ای شافع قیامت و ای مالک الرقاب
ای روشن از جمال منیر تو آفتاب
خورشید تاج فرق تو شاه قمر رکاب
در چار رکن و شش جهت اندازی انقلاب
گر خم کتی نظام دو گیتی شود خراب
بر ذوالجناح اگر کشتی از راستی رکاب
کآمد به گوش جمله ذرات این خطاب
ذرات کیست میل کند زین دو جام آب
شمر و حسین از همه ذرات انتخاب
ای تشنه لب به جام شهادت به جای آب
با صد هزار شوق و طرب چون خم شراب
عرض ارکنم خلاف بفرما مرا جواب
ای شاه کم سپاه تو مو را مکن طناب

ای منبع سخاوت و ای معدن حجاب
ای بهترین امت سرخیل انبیاء
این خلق و کاینات فدای وجود تو
دانم اگر رسد کف جودت به ذوالفقار
آن ابرویی که قبله دین محمد (ص) است
جنبده‌ای ز تیغ کجت جان نمی‌برد
آن روز را مگر تو فراموش کرده‌ای
جام شهادتینی و جام شقاوتی
از حکمتی نمود خداوند بی زوال
حلق تو میل جام شهادت نمود خود
این نفس کفر جام شقاوت به سر کشید
هستم به اعتراف خود امروز استوار
از من شنو قبول نما بیعت یزید

سران کوفه ای فرزانه من همه جمعند اندر خانه من

(مکالمه امام (ع) با سکینه (س) از مجلس حضرت عباس (ع):

بدان ای نور چشم این قوم بی دین ببندند آب بر ما از ره کین
اگر سوز عطش برد از تنت تاب در این وادی بدان آب است کمیاب

۲- کاربرد کلمات عامیانه و ادبی: در اشعار تعزیه لغات رایج و متداول عامیانه و لغات ادبی هر دو مورد استفاده قرار می گیرند. کلماتی مانند همشیره و خواهر، عرض و مطلب، کاربرد کلمات عامیانه و اصطلاحات کوچه و بازار در تعزیه که در آثار رسمی ادبی راه ندارد بیشتر بدین خاطر است که مخاطب تعزیه عامه مردم هستند.

(مکالمه سکینه و امام حسین (ع) از مجلس شهادت امام (ع):

پدر جان مطلبی دارم مرخص کن به عرض آرم بگو از مطلب خود نور چشمان گهر بآرم

در رجز خوانی مسلم (ع) از مجلس شهادت مسلم:

ای حسام ای تیغ جان افروز من وی شرار نارت اعدا سوز من
خون اعدا را روان کن همچو جو حرف خون ریزی به گوش من بگو

مکالمه امام (ع) با زینب (س) از مجلس حضرت عباس (ع):

خواهرا بشنو بگویم یک سخن صبح گردد کشته از ما چند تن
تا بود فرصت ابا سوز و محن خیز رو می کن مهیا تو کفن

۳- استفاده از برخی تعبیرات عامیانه: مانند چشم سفید، گل سرسبد، خاک بر سر، نمک کورم کند، زهر مار شدن و دورت بگردم.

مکالمه زینب (س) با امام (ع) از مجلس شهادت حضرت عباس (ع):

ای وای که خاک بر سرم شد بشکسته قد برادرم شد
ای خسرو کم سپاه برخیز شد طالع من سیاه بر خیز

(مکالمه حضرت عباس (ع) از مجلس شهادت خود):

در آن زمان که روانه شدم به سوی فرات
نشسته بر سر ره چشم انتظار من است
سکینه با لب عطشان دوید مشکی داد
اگر که آب خورم آب زهر مار من است

(مکالمه حضرت عباس (ع) با شمر از مجلس خود):

ای چشم سفید کافر نامه سیاه
شب بهر چه آمدی به پشت خرگاه

(مکالمه حضرت عباس (ع) به امام (ع) از مجلس خود):

اگر خیانتی از من تو را رسیده به گوش
مکن خیال که کردی ز فیض خود دورم
مرا به مثل غلامان خویشتن بفروش
اگر روم ز در تو نمک کند کورم

۴- کاربرد کلمات و اصطلاحات خاص تعزیه: مانند خیر النساء، سید ابرار، خسرو ملک عرب، سقای تشنه کامان، امام بیمار، صاحب ذوالفقار، غریب الغریبا، شاه تشنه کام، شاه کم سپاه، شاه نجف، امیر کشور بطحا و نیز استفاده از کلماتی چون شین به جای شیون، عدوان به جای عدو، شایق به جای مشتاق.

مکالمه شمر از مجلس شهادت علی اکبر (ع):

خسرو ملک عرب سپاه ندارد
نیر اعظم امیر کشور بطحا
بی کس و یار است و دادخواه ندارد
«روشنی طلعت تو ماه ندارد»

مکالمه حضرت علی (ع) با حضرت فاطمه (س) از مجلس شهادت حضرت عباس (ع):

امشب به خواب راحت سقای تشنه کامان
فردا دو دستش افتد از تن ز جور عدوان

(مکالمه حضرت عباس (ع) از مجلس خود):

چرا سقای شاه تشنه کامم
طلایه دار دور این خیامم

(مکالمه امام رضا (ع) از مجلس خود):

ای خدا آگهی از حال غریب الغریبا
به زوال آمده اقبال غریب الغریبا

(مکالمه حضرت عباس (ع) از مجلس خود):

به یاد آمدم آه و با شور شین از آن شاه لب تشنه یعنی حسین

(مکالمه حضرت عباس (ع) با شمر از مجلس خود):

شمر برو به یک طرف می‌شکنم دهان تو این سخنان دگر مگو حق ببرد زبان تو
فخر کنی به لشکرت، خاک به فرق مادرت شایق ایا لعین نیم بر تو و بر امان تو

۵- استفاده از لغات و ترکیبات عربی و ترکی: مانند مالک الرقاب، دارالامان، واجب الاذعان، يوم الحساب، لوحش الله، المنه لله و اوغلی، بوجماله، بونیجه، اولوس، گون به گون، بوگون.
(مکالمه امام حسین (ع) با شمر از مجلس خود):

ای منبع سخاوت و ای معدن حجاب ای شافع قیامت و ای مالک الرقاب

(مکالمه ابن سعد باشمر از مجلس شهادت علی اکبر):

نوشته اندر این نامه که سردار سپاهی تو بود فرمان تو بر جمع لشکر واجب الاذعان
(مکالمه امام حسن (ع) با امام حسین (ع) از مجلس خود):
برادر این مکان امن و این دارالامان از زمین پر خطر با وادی پر انقلاب از من
تو

(مکالمه حضرت علی اکبر (ع) با شمر از مجلس خود):

منم پیغمبر بیضا شه دلدل سوار اوغلی عزیز کشور بطحا شه دلدل سوار اوغلی

(مکالمه حضرت علی اکبر (ع) با شمر از مجلس خود):

بو گون خم گون به گون خم تیغ خونخوارم خم اندر خم

۶- بسآمد بالای برخی واژه‌ها و مفاهیم قالبی: مانند دریغ و درد، آه و فغان، فدایت، قربانت، نورچشم، چرخ، فلک، آسمان، سپهر و جور و جفا.

(مکالمه سکینه (س) از مجلس شهادت حضرت عباس (ع):

گشادم رختخوابت را ایا نور دو چشمانم تو بنما استراحت من کنم آه و فغان

تحولی که در مجالس تعزیه بوجود آمد تعزیه سرایان برای رهایی از یکنواختی اشعار تعزیه از اوزان و قالبهای مختلف بهره بردند^۱ و گاه حتی از اوزان نامطبوع استفاده کردند. از همین دوره اوزان بحر طویل نیز به کار گرفته شد. نمونه‌ای از بحر طویل‌های اشعار تعزیه:

مکالمه شمر از مجلس شهادت علی اکبر (ع):

«طبال بز ن طبل که امروز کنم روشنی آتش، که شود تار زدودش تل کهسار، ز آبادی و ویران ز ابجار و ز اشجار، بیچد به سموات و مقامات، به لوح و قلم و عرش، که وصفش نتوان کرد اگر آب بگیرد همه روی جهان را.

۹- سکنه‌ها و اضافات: در برخی اشعار تعزیه سکنه‌ها و اضافاتی وجود دارد که موجب بی‌وزن شدن آنها شده است به احتمال زیاد این موارد در نسخ قدیمی وجود نداشته و به مرور زمان بر اثر بی‌دقتی کاتبان در نسخه‌ها راه یافته است. البته این سکنه‌ها در نوشتار آشکار می‌شود و غالب آنها در ادا شدن با لحن موسیقایی تعزیه درست است.

مکالمه امام (ع) با حضرت زینب (س) از مجلس خود):

بیاور خواهر غمدیده زینب جامه خوابم که برج طالعم از بام کهکشانش افتاد

از مجلس شهادت امام (ع):

ما می رویم سوی بیابان کربلا تا جان کنیم فدای سلیمان کربلا

۱۰- استفاده از انواع آرایه‌های ادبی اعم از لفظی و معنوی: برخی از این آرایه‌ها عبارتند از: تشبیه، استعاره، تضمین، لف و نشر، تنسیق الصفات، اقتباس (اشاره به آیات و احادیث)، تلمیح، تکرار، مراعات النظیر، ارسال المثل، التزام، طرد و عکس، تقسیم، تضاد و واج آرایبی.

الف. تشبیه و استعاره

(مکالمه شمر از مجلس شهادت حضرت علی اکبر (ع):

ای شهنشاه دنی ملک، تدلی کشور	والضحی روی، قمر طلعت والنجم افسر
قل کفی تخت و فتحنا علم حی نذیر	عرش ایوان فلک فرش ملایک لشک
ای به قد سرو و به رخ بدر و به گیسو سنبل	به جبین ماه و به رخ مهر و به لب شهد و شکر
وارث ختم رسل مهدی هادی سبل	مقصد اقرأ قل معدن یزدانی فر

۱- در میان قالبهای پر کاربرد در اشعار تعزیه می‌توان به مثنوی، غزل، قطعه، رباعی، قصیده و مسمط اشاره کرد.

گر طفیل تو و آل تو نبودی آدم / خلعت احسن تقویم نکردی در بر
چشمه نوش تو را شهد و شکر مالمال / درج یاقوت گهربار تو بر لؤلؤ تر

(مکالمه شمر از مجلس شهادت حضرت عباس (ع):

شب آمد رفت سوی باختر عنقای زرین پر / غراب شب به در کرد از درونش بیضه‌های زر
زمین شد درج پنهان اندر آن خورشید چون / جهان شد مخزن پیدا شب آمد چون در و گوهر
لولو

ب. تضمین: بیشتر تضمینها در اشعار تعزیه از غزلیات سعدی و حافظ است.

(مکالمه شمر با حضرت عباس (ع) از مجلس شهادت حضرت عباس (ع):

شمر گوید:

آمدم این لحظه تا چهام به سر آید / ز آمدنم آسمان همی خطر آید
ماه بنی هاشم از ز خیمه درآید / جنگ نمائیم ترک اگر که بر آید

صلح نمائیم بلکه غصه سر آید

عباس گوید:

خواب مرا کی به چشم پر گهر آید / آب کجا ره دهد که خواب درآید
تا که ز تیر قضا چهام به سر آید / «بر سر آنم که گر زدست بر آید

دست به کاری زنم که غصه سرآید»

شمر گوید:

دست خود از دامن حسین تو بردار / پای بنه در سپاه لشکر کفار
در سپه ما بیا و باش تو سردار / آمدم اندر حضورت از پی اینکار

ترسم از آن روز که بدت بتر آید

عباس گوید:

هست ز سرداری یزید مرا عار / شمر برو لب فرو بیند ز گفتار

غیر حسین نیست با کس دگرم کار «منظر دل نیست جای صحبت اغیار

دیو چو بیرون رود فرشته درآید»

شمر گوید:

مردم دنیا چو چشم باز گشودند رو به عبید اله و یزید نمودند
گوی سعادت از آن میانه ربودند مرتبه جاه خویشتن بفرودند

رو به یزید آر تا غمت به سرآید

عباس گوید:

قال الست بریکم چه نمودند لب به بلایش جماعتی بگشودند
گوی سعادت از آن میانه ربودند «صالح و طالح متاع خویش نمودند

تا که قبول افتد و چه در نظر آید»

(مکالمه شمر از مجلس شهادت حضرت عباس (ع):

عرض من گوش کن عباس که تدبیر چه رخ بیعت به یزید آر که قدر تو فزاید
باید «بخت باز آید از آن در که یکی چون تو
تا تورا بر سپه خویش علمدار نماید درآید

که دگر مادر گیتی چو تو فرزند نزاید»

مادرت خویش به ما بود تویی مهر و وفایی مکن از نوکرت عباس در این وقت جدایی
عرض خود را به تو گفتم چه بیائی چه نیائی «نیشکر با همه شیرینی اگر لب بگشائی»

پیش نطق شکرینت سرانگشت بخاید»

ج. لف و نشر

(مکالمه شمر از مجلس شهادت حضرت عباس (ع):

بکن جرأت بکن سبقت، بکن روشن بکن خاموش چراغ کفر و شمع دین بر هیجا بشو رهبر
بده اذن و بده فرمان، بده حکم و بده جولان به هیجا وبه تاراج و به خونریزی سر صرصر
جهان گردد به کام من نظر کن بر سپهر و بین قمر دف زن عطارد خطبه خوان و زهره خنیاگر
بزن بر تن، بزن بر جان، بزن بر سر، بزن بر دل کف مرفق، پر ابلق، سر گرز و دم خنجر

ز. تکرار

(مکالمه حضرت علی اکبر (ع) با امام (ع) از مجلس خود):

وقت آمده بابا که بیوسی لب سردم وقت آمده بابا که به دور تو بگردم
وقت آمده بابا که چو یعقوب بگردم وقت آمده بابا که نهی درد به دردم

(مکالمه ام لیلا با حضرت علی اکبر (ع) از مجلس شهادت علی اکبر (ع):

امیدم بود ای اکبر بیندم حجله ات مادر شب عیشت کنم زیور بیا آهسته آهسته
بیا لیلای دلمرده علی تیر ستم خورده هزاران آرزو برده بیا آهسته آهسته

ح. ارسال مثل

(مکالمه درویش از مجلس هرمز تجار):

در ره توفیق پیس پیس رفتنت همچو استاد رسن تابی بس است

(مکالمه ابن سعد و شمر از مجلس حر):

کار نکرده شمر دون مزد نبرده هیچ کس قتل حسین و یاوران تا نروی نمی دهم

(مکالمه شمر و ابن سعد از مجلس شهادت حضرت عباس (ع):

پنجه اندر پنجه سنگ است و سبو کی تواند پنجه اندر پنجه آن شیر کرد

◀ نتیجه :

اگرچه قدمت تعزیه‌خوانی در ایران به دوره حکومت آل بویه برمیگردد ولی از زمان قاجاریه نمود وحدت بیشتری می‌یابد . حجم کثیری از نسخ خطی یافته شده در چهار محال و بختیاری نشان‌دهنده توجه مردم این خطه به تعزیه‌خوانی بوده است . ویژگی عمده این اشعار اگرچه در روان بودن و مطابقت با زبان عامیانه و همه کس فهم است اما از نکات بلاغی و بدیعی نیز تهی نیست . افزون بر آن تضمینهایی هم از اشعار بزرگان در آنها دیده می‌شود که عمدتاً متعلق به سعدی و حافظند .

◀ فهرست منابع

- ۱- پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی (از آغاز تا پایان دوره قاجار)؛ عنایت الله شهیدی، با مقدمه علی بلوکباشی، دفتر پژوهشهای فرهنگی با همکاری کمیسیون ملی یونسکو در ایران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۲- تاریخ ادبیات در ایران؛ ذبیح الله صفا، فردوس، چاپ سوم، تهران ۱۳۷۳
- ۳- تاریخچه و شرح حال عرفا و شعرای دو قرن اخیر چهارمحال و بختیاری؛ ابوالفتح اوژن بختیاری، تهران ۱۳۳۲.
- ۴- تعزیه در استان بوشهر؛ حیدر عرفان، انتشار نوید، چاپ اول، شیراز ۱۳۷۹.
- ۵- تعزیه در ایران؛ صادق همایونی، نوید، چاپ دوم، شیراز ۱۳۸۰.
- ۶- تعزیه در خور؛ مرتضی هنری؛ انتشارات مرکز مردم شناسی ایران، تهران ۱۳۵۴.
- ۷- جنگ شهادت؛ به اهتمام زهرا اقبال، زیر نظر محمد جعفر محجوب، تهران ۱۳۵۷.
- ۸- جنگ مجالس تعزیه دزک (خطی)؛ نسخه متعلق به آقای بابک آزمون.
- ۹- سرگذشت موسیقی ایران؛ روح الله خالقی، بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه، ۱۳۳۳.
- ۱۰- شعر بی دروغ شعر بی نقاب؛ عبدالحسین زرین کوب، علمی، تهران ۱۳۷۱.
- ۱۱- فهرستواره کتابهای فارسی؛ به کوشش احمد منزوی، مرکز دایرةالمعارف بزرگ فارسی، دوم، تهران ۱۳۸۲.
- ۱۲- کندوکاوی در تعزیه و تعزیه خوانی؛ غلامرضا گلی زواره، مهرا، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۱۳- مجالس تعزیه؛ به کوشش حسن صالحی در بندسری، سروش، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۰.
- ۱۴- نمایش در ایران؛ بهرام بیضائی، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- ۱۵- نمایش کهن ایرانی و نقالی؛ محمدجعفر محجوب، جشن هنر، شیراز ۱۳۶۴.

پیوست

نمونه‌هایی از نسخه‌های خطی مجالس تعزیه

بجز در سینه راست کهنه خواب	چو ز شیرین طلب ز دریا آب
زبان من بر ابروت چو در جهان	روم در خواب بنم با چشم گریان
تا نسیم گردد بفرسک نیز نماند	که نشوایب نشو جمع اینجدا
تا که کردم من اسیر آفتاب	که نشوایب نشو جمع اینجدا
تا جودت از پیغم کرد جدا	که نشوایب نشو جمع اینجدا
تا که اندر خون ز من نم زدند	که نشوایب نشو جمع اینجدا
تا خون لبم حنا بر دست	که نشوایب نشو جمع اینجدا
تا خرم سیب ز شتر چو حیا	که نشوایب نشو جمع اینجدا
تا برم گردد بر این امت نماند	که نشوایب نشو جمع اینجدا
تا خورم زندهم به پیغم سر جدا	که نشوایب نشو جمع اینجدا
تا بیارم آب اندر خنکگاه	که نشوایب نشو جمع اینجدا
تا که سیلاب بر آید از لهرم غرا	که نشوایب نشو جمع اینجدا

(۵)

صفحه ای از مجلس شهادت حضرت عباس (ع) پیردینه از جناب خطی
 نقل تقریباً در یک

